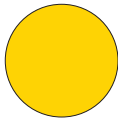


یادداشت
O P I N I O N

سینا عنایت‌اللهی

کارشناس بازار سرمایه

گواهی سپرده کالایی؛ پل سرمایه و تولید

اقتصاد ایران سال‌هاست با پدیده سرگردانی سرمایه‌ها در بازارهای غیرمولد مواجه است؛ موج‌های نقدینگی که ناگهان وارد بازارهایی همچون طلا، ارز، خودرو یا مسکن می‌شوند و به جای حمایت از تولید، بی‌ثباتی اقتصادی را تشدید می‌کنند. در چنین فضایی، تحقق شعار سال ۱۴۰۴ با عنوان «سرمایه‌گذاری برای تولید» بیش از هر چیز نیازمند طراحی ابزارهای مؤثر برای هدایت سرمایه‌ها به سمت تولید واقعی است.

یکی از مهم‌ترین اقدامات در این مسیر، عرضه گواهی سپرده کالایی در بورس کالای ایران برای محصولات صنعتی و معدنی است. این ابزار که امکان تبدیل کالاهای انبارشده به اوراق بهادار قابل معامله را فراهم می‌کند، توانسته پل ارتباطی میان تولیدکنندگان، سرمایه‌گذاران و بازار مالی ایجاد کند؛ حلقه‌ای که تا پیش از این در تأمین مالی تولید به‌وضوح مفقود بود.

یکی از مهم‌ترین تحولات اخیر، آغاز فرایند پذیرش انبارهای شرکت فولاد مبارکه در بورس کالا برای انتشار گواهی سپرده کالایی است. این شرکت، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین بنگاه‌های صنعتی کشور، اکنون در آستانه تبدیل شدن به الگویی برای بهره‌برداری مؤثر از ابزارهای مالی نوین قرار گرفته است.

این ابزار به تولیدکننده امکان می‌دهد پیش از فروش فیزیکی کالا، بخشی از سرمایه‌اش را آزاد کرده و آن را به جریان تولید بازگرداند؛ فرایندی که ضمن کاهش وابستگی بنگاه‌ها به تسهیلات بانکی، موجب افزایش سرعت گردش سرمایه نیز می‌شود. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاران خرد می‌توانند با خرید این گواهی‌ها و پشتوانه داشتن دارایی فیزیکی واقعی، در تولید مشارکت کرده و از نوسانات بازارهای سفته‌بازانه فاصله بگیرند. شفافیت در معاملات کالایی، تسهیل در کشف قیمت منصفانه، کاهش واسطه‌گری غیرضروری و ایجاد پیوند عملیاتی میان زنجیره تأمین و بازار مالی، از دیگر مزایای گسترش گواهی سپرده کالایی است. این ابزار نه تنها نقدینگی سرگردان را به سمت بخش‌های مولد هدایت می‌کند، بلکه بنیان مالی مطمئنی برای رشد صنایع کلیدی ایجاد می‌سازد. گواهی سپرده کالایی، فراتر از یک ابزار معاملاتی، به مثابه جرقه‌ای برای اصلاح ساختار تأمین مالی تولید در کشور مطرح است. اتکالی همیشگی به نظام بانکی، با چالش‌هایی نظیر نرخ بهره بالا و فرایندهای زمان‌بر، دیگر پاسخگوی نیازهای تولید نیست. ورود بازار سرمایه به این عرصه، فرصت تنوع‌بخشی به منابع مالی و کاهش فشار بر بانک‌ها را فراهم می‌کند.

در شرایطی که اقتصاد کشور نیازمند الگوهای نوین تأمین مالی است، توسعه گواهی سپرده کالایی به صنایع دیگر مانند پتروشیمی، سیمان و فلزات غیرآهنی می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری شبکه‌ای از ابزارهای مبتنی بر دارایی‌های واقعی شود. چنین روندی، هم پایداری مالی برای بنگاه‌ها به همراه دارد و هم امکان مشارکت خرد و ایمن سرمایه‌گذاران را در رشد اقتصادی فراهم می‌سازد. در نهایت، پیوند واقعی میان سرمایه‌گذار، تولیدکننده و بازار سرمایه، نه از مسیر شعار، بلکه از رهگذر ابزارهایی مانند گواهی سپرده کالایی ممکن می‌شود؛ ابزاری که اکنون بیش از هر زمان دیگری در معرض آزمون سیاست‌گذاران قرار دارد.

انرژی خورشیدی؛ پاسخ ناترازی برق

ابتکار دولت چهاردهم در توسعه نیروگاه‌های خورشیدی بر بام خانه‌ها و اداره‌ها، گامی راهبردی برای اصلاح ساختار تولید و مصرف انرژی خواهد بود



در مناطق روستایی دموکراتیک می‌کند. سیاست‌گذاری باید همگام باشد. در این بین؛ ساده‌سازی در اعطای مجوزها، تأمین زنجیره‌های مطمئن و ارتقای شبکه انتقال از اقدامات ضروری به شمار می‌روند. مشارکت‌های بین‌المللی، در صورت امکان، می‌توانند فناوری را منتقل کنند، اما خودکفایی به دلیل محدودیت‌های ژئوپلیتیکی در اولویت است. کمپین‌های آگاهی‌بخشی، با تأکید بر سوده‌های اقتصادی و زیست‌محیطی، برای حفظ شتاب حیاتی‌اند. چشم‌انداز بلندمدت، شهرهای خورشیدی، مدارس پایدار و ساختمان‌هایی خودکفاست. این آینده، با برنامه‌ریزی دقیق و مشارکت مردمی، قابل دستیابی است. اما نیاز به عزمی جمعی دارد؛ از دولت تا شهروندان عادی. هر قدم کوچک، از نصب یک پنل روی بام تا نیروگاهی کویری، به این چشم‌انداز نزدیک‌تر می‌کند.

نهضتی برای آینده‌ای پاک

سفر خورشیدی ایران آغاز شده و افق آن امیدبخش است. پروژه نهاد ریاست جمهوری، هرچند کوچک، پیامی قدرتمند دارد: تغییر از بالا آغاز می‌شود، اما به مشارکت همگان نیاز دارد. قائم‌پناه نهضت انرژی پاک را به مدرسه‌سازی تشبیه کرد؛ حرکتی که با همکاری مردم و صنایع می‌تواند ایران را دگرگون کند. ایران می‌تواند با غلبه بر موانع، پتانسیل خود را آزاد کند و به الگویی برای منطقه تبدیل شود. این وظیفه تنها بر دوش دولت نیست. شهروندان، صنایع و دولت‌های محلی باید در این چشم‌انداز سهیم شوند. از پشت‌بام‌های تهران تا کویرهای یرد، هر پنل نصب‌شده، گامی به سوی استقلال انرژی و حفاظت از محیط‌زیست است. راه طولانی است، اما مقصد—ایرانی پاک‌تر، قوی‌تر و پایدارتر—ارزش آن را دارد. خورشید بر این سرزمین کهن، نه تنها نور، بلکه امید می‌تاباند. انقلاب خورشیدی ایران، اگر به‌درستی هدایت شود، می‌تواند راه را برای منطقه‌ای تشنه پیشرفت پایدار روشن کند. اکنون زمان عمل است و هر یک از ما نقشی در این تحول داریم.

ایران رو به رشدند، می‌توانند نوآوری‌هایی در ذخیره‌سازی و بهره‌وری انرژی ارائه دهند و ایران را به مرکزی منطقه‌ای برای فناوری پاک تبدیل کنند. از منظر زیست‌محیطی، خورشید راهی برای کاهش آلودگی است. نیروگاه‌های فسیلی که بخش اعظم برق ایران را تأمین می‌کنند، آلاینده‌های اصلی‌اند. انرژی خورشیدی با کاهش گازهای گلخانه‌ای، کیفیت هوا را بهبود می‌بخشد و بیماری‌های تنفسی را کاهش می‌دهد. در کشوری که با کم‌آبی مواجه است، نیاز ناچیز خورشید به آب، مزیتی کلیدی است. نیروگاه‌های خورشیدی غیرمتمرکز همچنین تاب‌آوری شبکه را تقویت کرده و خطر قطعی‌های گسترده در تابستان را کاهش می‌دهند. ایران از نیروی انسانی متخصص، دانشگاه‌های فنی و شرکت‌های دانش‌بنیان برخوردار است که بستری برای زنجیره تأمین داخلی فراهم می‌کنند. با مدیریت صحیح، ایران می‌تواند نیازهای داخلی را پوشش داده و فناوری خورشیدی را به منطقه صادر کند. خاورمیانه، با چالش‌های مشابه، بازاری آماده برای این راهبری است. جهان نیز انگیزه‌ای مضاعف می‌دهد. بحران انرژی ۲۰۲۲ در اروپا، شکنندگی وابستگی به سوخت‌های فسیلی را نشان داد. ایران، با منابع خورشیدی فراوان، فرصتی برای جهش از مدل‌های منسوخ و ساخت سیستمی مدرن دارد. این گذار، نه تنها به نفع ایران، بلکه الگویی برای منطقه خواهد بود.

مسیری تدریجی به سوی آینده

اعزازی برای آینده رویکردی «از پایین به بالا» را پیشنهاد می‌کند: «شروع از خانه‌ها و کسب‌وکارهای کوچک، سپس گسترش به پروژه‌های کلان.» این استراتژی، تخصص فنی را تقویت کرده، اعتماد عمومی را جلب می‌کند و زیرساختی برای مقیاس‌های بزرگ‌تر فراهم می‌آورد. پروژه نهاد ریاست جمهوری، به عنوان مدلی عملی، امکان‌پذیری و سودمندی خورشید را نشان می‌دهد. گسترش این طرح به مدارس، مساجد و مراکز اجتماعی، دسترسی به انرژی پاک را

لجستیکی جدی‌اند. «اعزازی توضیح داد که تولید داخلی پنل‌های خورشیدی، هرچند وجود دارد، برای طرح‌های بزرگ کافی نیست. تحریم‌ها، محدودیت‌های بانکی و فرایندهای طولانی واردات، تأمین تجهیزات را دشوار کرده‌اند. هدف دولت برای تولید ۳۰ هزار مگاوات برق خورشیدی، با توجه به این موانع، چالش‌برانگیز است. در سطح صنعتی، ارائه زمین، ارز ترجیحی و مجوزها برای احداث نیروگاه‌های کوچک در شهرک‌های صنعتی، با کندی بوروکراتیک مواجه شده است. بسیاری از شرکت‌ها، با وجود پیگیری‌های چندساله، هنوز موفق به دریافت زمین یا تأمین مالی نشده‌اند. در این میان، زیرساخت‌های برق ایران نیز مشکل‌سازند. شبکه انتقال فرسوده، ۱۰ تا ۱۵ درصد برق تولیدی را هدر می‌دهد که در شرایط کمبود، فشاری مضاعف بر سیستم وارد می‌کند. احداث نیروگاه‌های خورشیدی در مناطق کویری، هرچند از نظر تابش ایده‌آل است، بدون شبکه انتقال قوی، بهره‌وری محدودی دارد. مدیریت هم‌زمان برق از منابع مختلف، نیازمند فناوری‌های پیشرفته‌ای است که ایران در حال حاضر فاقد آن‌هاست. این کاستی‌ها، استفاده بهینه از خورشید را محدود می‌کنند. با این حال، سیاست‌های خردامیدوارکننده‌اند. شهرداری‌ها با الزام نصب پنل‌های خورشیدی در ساختمان‌های نوساز، گامی به سوی عادی‌سازی انرژی پاک برداشته‌اند. این سیاست، اگرچه هزینه‌بر است، می‌تواند فرهنگ استفاده از تجدیدپذیرها را تقویت کند.

فرصت‌های اقتصادی و زیست‌محیطی

توسعه انرژی خورشیدی، فراتر از رفع کمبود برق، اهمی برای تحول اقتصادی و زیست‌محیطی است. کاهش مصرف داخلی سوخت‌های فسیلی، امکان صادرات بیشتر نفت و گاز را فراهم می‌کند و درآمد ارزی را افزایش می‌دهد. صنعت خورشیدی می‌تواند مشاغل جدیدی در تولید، نصب و نگهداری ایجاد کند. شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌های فناوری، که در

جهان در عصر تغییرات اقلیمی و محدودیت منابع فسیلی، به سوی انرژی‌های پایدار حرکت می‌کنند. ایران با ظرفیت‌های طبیعی و انسانی بی‌نظیر، در آستانه تحولی بزرگ در بهره‌گیری از انرژی خورشیدی قرار دارد. مراسم آغاز نصب نیروگاه‌های خورشیدی در ساختمان‌های نهاد ریاست جمهوری تهران، گامی نمادین اما تعیین‌کننده در این مسیر است. با کسری روزانه ۱۵ هزار مگاوات برق—۸ هزار مگاوات بیشتر از سال گذشته—نیاز به انرژی‌های تجدیدپذیر بیش از پیش آشکار است. نیروگاه‌های خورشیدی، با قابلیت بومی‌سازی، هزینه پایین نگهداری و انعطاف‌پذیری در مقیاس، می‌توانند ایران را از وابستگی به سوخت‌های فسیلی رها کرده و به سوی آینده‌ای پاک هدایت کنند. این حرکت، نه تنها پاسخگوی نیاز فراینده برق است، بلکه پایه‌ای برای بازسازی ساختار انرژی کشور خواهد بود. این گزارش داستان تلاش ایران برای پذیرش انرژی خورشیدی را روایت می‌کند؛ از سیاست‌های دولتی تا چالش‌های اجرایی و فرصت‌های پیش رو. آیا ایران می‌تواند با غلبه بر موانع، به پیشگام منطقه‌ای در انرژی پاک تبدیل شود؟

انرژی خورشیدی: راه‌حل ناترازی انرژی

ایران با بیش از ۳۰۰ روز آفتابی در سال و پهنه‌های وسیع کویری، از موهبت طبیعی برای تولید انرژی خورشیدی برخوردار است. هفته قبل آیین آغاز نصب نیروگاه‌های خورشیدی در نهاد ریاست جمهوری، با حضور محمدجعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور، در مرکز همایش‌های بین‌المللی این نهاد برگزار شد. قائم‌پناه با اشاره به اولویت دولت چهاردهم در رفع ناترازی انرژی، به کمبود ۱۵ هزار مگاواتی برق در سال جاری اشاره کرد که نسبت به سال گذشته افزایش چشمگیری داشته است. او نیروگاه‌های خورشیدی را راهکاری کلیدی برای این بحران خواند، راهکاری که نه تنها نیاز فوری را برآورده می‌کند، بلکه بخشی از اصلاح بلندمدت ساختار تولید و مصرف انرژی است. این پروژه با نصب ۱۱۵۰ پنل خورشیدی در مساحتی سه‌هزار متر مربعی در محوطه سالن اجلاس سران، ظرف ۳۰ تا ۴۰ روز به بهره‌برداری می‌رسد. نیروگاه ۷۰۰ کیلوواتی، با میانگین ۵.۵ ساعت تابش روزانه، ۳۸۵۰ کیلووات‌ساعت برق تولید می‌کند که ۳۰ درصد نیاز نهاد را تأمین می‌کند. طرح‌های بعدی برای افزایش ظرفیت به یک مگاوات، نشان‌دهی از عزم جدی دولت است. قائم‌پناه این اقدام را الگویی برای دیگر نهادها دانست و بر ضرورت نهضتی مردمی برای گسترش انرژی‌های پاک تأکید کرد. او با اشاره به مصوبه هیأت وزیران که دستگاه‌های دولتی را ملزم به تأمین ۲۰ درصد برق از منابع خورشیدی می‌کند، این پروژه را پیمای روشن برای ضرورت ملی توسعه تجدیدپذیرها خواند.

به گفته قائم‌پناه، انرژی خورشیدی منبعی پاک، پایدار و دوستدار محیط‌زیست است که با کاهش آلودگی، سرمایه‌ای برای نسل‌های آینده فراهم می‌کند. این انرژی، با صرفه‌جویی اقتصادی بلندمدت، می‌تواند فشار بر منابع فسیلی را کاهش داده و اقتصاد کشور را تقویت کند.

چالش‌های توسعه انرژی خورشیدی

با وجود پتانسیل عظیم، مسیر توسعه خورشیدی ایران با موانع متعدد روبه‌روست. مجید اعزازی، کارشناس انرژی‌های پاک، در گفت‌وگو با آتی‌نو به این چالش‌ها پرداخت: «وزارت نیرو طرحی را اجرا کرده که خانوارها با نصب پنل‌های خورشیدی روی بام‌ها، از وام و قرض‌داده‌های ۲۰ ساله خرید برق بهره‌مند می‌شوند. این طرح که هزینه اولیه را در یک تا دو سال باز می‌گرداند، در مناطق شهری به استقبال مواجه شده است. با این حال، برای پروژه‌های کلان، موانع اقتصادی و

شورای تأمین مالی، معمار سرمایه‌گذاری نوین

تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها داشته است. با وجود پیشرفت‌های حاصل‌شده، همچنان چالش‌هایی در برخی بخش‌های این قانون وجود دارد که رفع آن‌ها نیازمند همکاری و تعامل گسترده‌تر دستگاه‌های اجرایی است. این همکاری می‌تواند به بهبود فرایندهای تأمین مالی و افزایش کارایی بازار سرمایه در حمایت از تولید منجر شود. تشکیل شورای تأمین مالی و اصلاحات در حال انجام، نشان‌دهنده عزم جدی برای تقویت زیرساخت‌های مالی کشور است. انتظار می‌رود با اجرای دقیق این قانون و هماهنگی بین نهاد‌های مختلف، شاهد جهشی در جذب سرمایه‌های هدفمند و توسعه پایدار بخش تولید باشیم. این اقدامات نه تنها به تقویت اقتصاد ملی کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و بهبود زیرساخت‌های کشور خواهد بود. در نهایت، موفقیت این ابتکارات به میزان همکاری بین دستگاه‌های اجرایی و تعهد به اجرای دقیق قوانین بستگی دارد.

موانع موجود، اصلاح برخی مواد این قانون در دستور کار قرار گرفته است. این اصلاحات می‌تواند به کاربردی‌تر شدن قانون در بستر بازار سرمایه کمک کند و زمینه را برای تأمین مالی پایدار و هدفمند پروژه‌های تولیدی فراهم سازد. یکی از اقدامات کلیدی در این مسیر، تشکیل شورای تأمین مالی است که به‌تازگی شکل گرفته و انتظار می‌رود بستری مؤثر برای تأمین منابع مالی موردنیاز طرح‌های تولیدی باشد. این شورا هنوز به‌صورت کامل وارد فاز اصلاح مواد قانونی نشده، اما تشکیل آن به‌عنوان گامی مهم در جهت ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی و تقویت زیرساخت‌های مالی تلقی می‌شود. طیفیانی تأکید کرد که موفقیت سرمایه‌گذاری در بخش تولید، به فراهم‌سازی منابع مالی پایدار وابسته است و این شورا می‌تواند نقشی محوری در تحقق این هدف ایفا کند. مجلس شورای اسلامی در حوزه نظارت نیز تمرکز ویژه‌ای بر اجرای قانون

در شرایط کنونی اقتصاد ایران، بهره‌گیری از ابزارهای نوین تأمین مالی و سیاست‌های مالی کارآمد، بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. یکی از راهکارهای مؤثر برای تحرک بخشی به بخش تولید و توسعه زیرساخت‌ها، استفاده از ظرفیت‌های بازار سرمایه در تأمین منابع مالی پروژه‌های ملی است. در این راستا، تدوین و اجرای قوانین جامع و کاربردی نقش بسزایی در هموارسازی این مسیر ایفا می‌کند. تصویب قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها در سال گذشته، نقطه عطفی در این زمینه بوده و نویدبخش گام‌هایی مثبت در جهت تحقق شعار سرمایه‌گذاری برای تولید است.

مهدی طیفیانی، نایب رئیس اول کمیسیون اقتصادی مجلس، با اشاره به اهمیت این قانون، بر ضرورت دستیابی به جمع‌بندی منسجم در مجلس برای اجرای مؤثر آن تأکید کرد. به گفته او، نمایندگان مجلس تلاش‌های گسترده‌ای برای اجرای دقیق این قانون انجام داده‌اند و با هدف رفع